

ماقال و مَن قال

عماد افروغ

دفتر دوم: بعد از نمایندگی (خرداد ۱۳۸۷ - تیر ۱۳۹۰)

انتشارات

ما قال و من قال: دفتر دوم: بعد از نمایندگی (خرداد ۱۳۸۷ - تیر ۱۳۹۰)

عماد افروغ

ویراستار: حسین شمسایی

طراح جلد: مهدی شیخ‌الاسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: همشهری

نشانی: تهران، بلوار آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۱۳ (برج آی‌نک)

طبقه هفتم، واحد ۶۴

تلفن: ۲۲۰۴۵۳۴۰، دورنگار: ۲۳۰۲۳۵۷۵

سرشناسه: افروغ، عماد، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: ما قال و من قال / عماد افروغ.

مشخصات نشر: تهران: همشهری، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری: ج ۳.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

مندرجات: ج ۱. قبل و حین نمایندگی (۱۳۸۷ - ۱۳۷۸) ج ۲. بعد از نمایندگی

(خرداد ۱۳۸۷ - تیر ۱۳۹۰)

موضوع: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۷۸

موضوع: انتخابات - ایران

شناسه افزوده: انتشارات همشهری

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ م ۱۷۰/الف ۱۵۷۰ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۴۶۸۶۹

۱۱	مقدمه
۲۳	هدف غایی امام: بسط معرفت الله و معنویت / ۱۴ خرداد ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۲۶	در تبیین رابطه سیاست و اخلاق، نخبگان و نقد... / ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ / روزنامه تهران امروز
۲۹	نگاهی به موضوع "وحدت" و "اخلاف" در جامعه... / ۱۹ تیر ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۳۱	دین و اخلاق: قربانی مقام و اعراض سیاسی نشوند / ۱۷ مرداد ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۳۳	نامه‌ای به دوست و برادر عزیزم علی مظهری / ۲۷ مرداد ۱۳۸۷
۳۴	توصیه به نمایندگان در خصوص رأی اخیر به وزرا: پای رأی... / ۲۷ مرداد ۱۳۸۷
۳۶	رگه‌های لیبرالیسم سیاسی: در ایران / شهریور ۱۳۸۷ / مجله شهروند امروز
۳۹	در تحلیل سخنان رهبری در باب نقد... / ۲۱ شهریور ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۴۲	استقبال از دستور رئیس‌جمهور برای بررسی مدرک... / ۲۷ شهریور ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۴۴	مسئله کردان: معما یا معماگونه؟! / ۱۳ مهر ۱۳۸۷ / روزنامه همشهری
۴۶	با خطاب قرار دادن قوه قضائیه و حسین موسویان، دعوت عماد افروغ... / ۳ آبان ۱۳۸۷
۴۸	تصمیم راسخ برای ایجاد جنبش اخلاقی / ۳ آبان ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۴۹	اسیر کمیت‌گرایی شده‌ایم و به محتوای مقاله‌ها توجه... / ۳ آبان ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۵۱	کردان باید استعفا می‌داد / ۹ آبان ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۵۲	مجلس، دستخوش برخورد های غیر برنامه‌ای و غیر... / ۲۳ آبان ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۵۵	نامه به حسین موسویان / ۳۰ آبان ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۵۹	تحزب، جلوی فرصت طلب‌ها را می‌گیرد / ۳ آذر ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۶۰	در نشست نقد و بررسی نه جلد کتاب منتشر شده در... / ۱۹ آذر ۱۳۸۷ / خبرگزاری فارس
۶۶	ریشه انفعال دانشجویان را نباید در وابستگی آنها جستجو... / ۱۹ آذر ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایلنا
۶۹	گفت‌وگویی در باب «رفتارهای انتخاباتی»: قدرت مدنی... / ۱۹ آذر ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۸۰	دانشجویان به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر کولی ندهند / ۲۱ آذر ۱۳۸۷ / سایت تابناک

۸۱	افروغ: گرایش به ISI بلای خانمان سوز علم کشور / ۲۳ آذر ۱۳۸۷ / خبرگزاری برنا
۸۲	معتقد به ائتلاف درون گروهی ام / ۲۴ آذر ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۸۳	سهم حوزه از وحدت حوزه و دانشگاه / ۲۸ آذر ۱۳۸۷ / سایت تابناک
۸۵	نگاه سیاسی به ورزش و ورزشکار ممنوع! / ۴ دی ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایسنا
۸۹	گفت‌وگو با دکتر افروغ / ۱۳ دی ۱۳۸۷
۱۰۶	ثروت، قدرت توهم آور است / ۲۷ دی ۱۳۸۷ / سایت تابناک
۱۱۷	از تحلیل فکر نگرانم / ۳۰ دی ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۱۲۱	پروژه ناتمام انقلاب، جامعه‌شناسی نیروهای سیاسی بعد انقلاب / ۳ بهمن ۱۳۸۷
۱۲۸	عقلانیت سیاسی به جای سیاست‌ورزی حرفه‌ای / ۸ بهمن ۱۳۸۷
۱۳۰	اصولگرایی با اصول تعریف می‌شود، نه با اصولگرا / ۹ بهمن ۱۳۸۷ / خبرگزاری ایلنا
۱۳۱	نظارت، مقبولیت و جمهوریت، یک حق شرعی است / ۱۷ اسفند ۱۳۸۷ / ویژه‌نامه جام جم
۱۴۳	عملکرد شورای نگهبان زمینه‌ساز ثبات / ۲۳ اسفند ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۱۴۵	اخلاق را قربانی سیاست نکیم / ۲۵ اسفند ۱۳۸۷ / خبرگزاری مهر
۱۴۶	حق مردم در انتخاب فرد، برنامه و خرد، گفتمان / ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ / سایت تابناک
۱۴۹	بی‌توجهی به برنامه، بی‌توجهی به شعور سیاسی مردم است / ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ / سایت تابناک
۱۵۰	سکandar مدیریت اجرایی کشور باید مردم‌سالاری دینی... / ۱۳ فروردین ۱۳۸۸ / سایت قلم
۱۵۳	دعوت از چهره‌های اصولگرا برای کاندیداتوری / ۱۵ فروردین ۱۳۸۸ / سایت عصر ایران
۱۵۴	انتقاد از عملکرد صدا و سیما / ۴ اردیبهشت ۱۳۸۸ / خبرگزاری ایلنا
۱۵۴	امروز شلاق نقدمان، فاقد کارایی است / اردیبهشت ۱۳۸۸ / قلم
۱۶۲	ناگفته‌های تغییر و تحولات در مهم‌ترین پژوهشگاه... / ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ / سایت تابناک
۱۶۴	شور انتخابات همراه با شعور باشد / ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ / خبرگزاری ایسنا
۱۶۶	فعالیت‌های رسمی جنبش اخلاقی آغاز شد / ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ / خبرگزاری ایسنا
۱۶۸	دیدگاه‌های انقلابی خود را به میرحسین انتقال داده‌ام / ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ / خبرگزاری مهر
۱۷۰	اگر به حرفهای مطهری توجه می‌کردیم، امروز... / ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ / خبرگزاری مهر
۱۷۲	با آمدن محسن رضایی امیدوار شدم / ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸ / سایت خبر آنلاین
۱۷۳	حضور رضایی اجماع تصنعی اصولگرایان را... / ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ / روزنامه اعتماد
۱۷۴	دروغ و بی‌صدافتی امروز سکه رایج شده / ۱۱ خرداد ۱۳۸۸ / سایت فرارو
۱۷۶	تشکیل شورای حکمت برای پایان منافشات / ۲ تیر ۱۳۸۸ / سایت خبر آنلاین
۱۸۱	رفتار صدا و سیما هیثم‌کشی آتش بود / ۱۱ تیر ۱۳۸۸ / خبرگزاری ایلنا
۱۸۲	شهید بهشتی به ما می‌آموخت که اسیر قدرت و دچار... / ۱۳ تیر ۱۳۸۸ / روزنامه اعتماد
۱۸۵	نگران گسترش بی‌اعتمادی ام / ۲۸ تیر ۱۳۸۸ / خبرگزاری ایلنا

۱۸۷	باید در جامعه، تکثر درون گفتگومانی وجود داشته باشد/ ۱ مرداد ۱۳۸۸/ خبرگزاری ایسنا
۱۸۹	متأسفم که به پیشنهادات شایسته آقای هاشمی توجه.../ ۴ مرداد ۱۳۸۸/ خبرگزاری ایلنا
۱۹۱	چشمان را به روی واقعیت‌ها نبندیم/ ۱۰ مرداد ۱۳۸۸/ سایت فردانیوز
۲۰۴	انقلاب مخملی در ایران غیرممکن است/ ۱۵ مرداد ۱۳۸۸/ روزنامه اعتماد ملی
۲۰۷	رهبری خواستار عزلت سیاسی هاشمی نیست/ ۲۴ مرداد ۱۳۸۸
۲۰۹	کیهان این بار به سراغ افروغ رفت/ ۲۴ مرداد ۱۳۸۸/ سایت تابناک
۲۱۰	محورهای شکایت افروغ از شریعتمداری/ ۲۸ مرداد ۱۳۸۸/ سایت تابناک
۲۱۴	ادبیات آیت‌الله لاریجانی نوید بخش احیای اعتماد به.../ ۲۸ مرداد ۱۳۸۸/ خبرگزاری مهر
۲۱۶	به این نتیجه رسیدیم که تنها به مصلحت نظام فکر کنم/ ۲۸ مرداد ۱۳۸۸/ خبرگزاری فارس
۲۱۸	پیشرفت جبهه بی‌اخلاق/ ۲۹ مرداد ۱۳۸۸/ روزنامه اعتماد
۲۲۱	به موسوی گفتیم از برخی جریانهای سکولار و لیبرال.../ ۱ شهریور ۱۳۸۸/ خبرگزاری فارس
۲۲۲	تفاوت کودتا با انقلاب/ ۱ شهریور ۱۳۸۸/ روزنامه اعتماد
۲۲۴	انقلاب مخملی حجتیه‌ای‌ها در راه است/ ۸ شهریور ۱۳۸۸/ سایت تابناک
۲۳۴	واکنش به لغو مراسم احیای حرم امام (ره)/ ۴ شهریور ۱۳۸۸/ خبرگزاری ایلنا
۲۳۵	یادداشتی در سایت کلمه: ریشه‌ها و پیامد سیاسی شدن.../ ۲۲ شهریور ۱۳۸۸/ سایت کلمه
۲۴۱	بازنشستگی من ارادی بود، نه اجباری/ ۲۲ شهریور ۱۳۸۸/ خبرگزاری مهر
۲۴۱	زعمای قوم و مملکت، فکری به حال حکمت.../ ۲۳ شهریور ۱۳۸۸/ سایت پارلمان نیوز
۲۴۴	توصیه به میر حسین موسوی/ ۲۴ شهریور ۱۳۸۸/ سایت عصر ایران
۲۴۷	قضاوت درباره دفاع مقدس به کسانی سپرده نشود.../ ۴ مهر ۱۳۸۸/ سایت جماران
۲۵۳	فضا این گونه نمی‌ماند/ ۶ آبان ۱۳۸۸/ خبرگزاری ایلنا
۲۵۵	چرا حجازیان در محیط طبیعی دگرگون نشد؟/ ۶ آبان ۱۳۸۸/ خبرگزاری فارس
۲۷۶	سیاستهای سخت‌افزارانه، شعارهای نرم‌افزارانه/ ۸ آذر ۱۳۸۸/ مجله پنجره
۲۸۱	انتقاد تند از عملکرد رسانه ملی/ ۲۸ آذر ۱۳۸۸/ خبرگزاری ایلنا
۲۸۲	شبیه‌سازی‌های غیر اصولی تاریخی، ما را به وحدت.../ ۱۶ دی ۱۳۸۸/ سایت تابناک
۲۸۵	تحلیل "عماد افروغ" از بیانیه جدید موسوی/ ۱۲ دی ۱۳۸۸/ سایت فرارو
۲۸۶	شکوفایی اندیشه در تضارب آرا/ ۱۳ بهمن ۱۳۸۸/ سایت همشهری
۲۹۳	دروغ‌گویی باعث آسیب‌پذیری، بیماری و بی‌اعتمادی.../ ۴ اسفند ۱۳۸۸/ روزنامه خراسان
۲۹۴	سال ۱۳۸۸ به لحاظ سیاسی، «دردناک» بود/ ۱۷ اسفند ۱۳۸۸/ خبرگزاری ایسنا
۲۹۸	اگر بناسست اباحه‌گرایی سکه رایج شود، پس شعارهای.../ ۶ فروردین ۱۳۸۹/ سایت فرارو
۳۰۰	همه‌پرسی ۱۲ فروردین نظام جمهوری اسلامی را.../ ۱۱ فروردین ۱۳۸۹/ خبرگزاری ایلنا
۳۰۲	مبنای فلسفی انقلاب اسلامی؛ حکمت متعالیه ملاصدرا/ ۱۳ خرداد ۱۳۸۹/ روزنامه جام جم

۳۱۲	نباید نگاه اقتصادی بر تعلیم و تربیت غلبه کند / ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ / سایت خبرآنلاین
۳۱۴	خطاکاران تجدید نظر کنند / ۷ تیر ۱۳۸۹
۳۱۶	اقتصاد فرهنگی و فرهنگ اقتصادی / ۱۰ تیر ۱۳۸۹ / نشریه سوره مهر
۳۱۹	اندیشه و منش شهید بهشتی / ۱۶ تیر ۱۳۸۹ / روزنامه تهران امروز
۳۲۶	اندیشه، دلالت خود را فریاد می زند / ۲۶ تیر ۱۳۸۹ / سایت عصر ایران
۳۳۲	رمضان، فرصتی برای خویشتن یابی / ۲۴ مرداد ۱۳۸۹ / روزنامه تهران امروز
۳۳۴	چشموار، بستر مناسب کشف ظرفیت های تازه و... / ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ / خبرگزاری آنا
۳۳۵	ضرورت توجه بیشتر به وحدت ادیان / ۱۸ شهریور ۱۳۸۹
۳۳۷	ضرورت برخورد روشمندانه با اهانتها / ۲۲ شهریور ۱۳۸۹ / خبرگزاری مهر
۳۳۸	انقلاب اسلامی، انضاط نقد و روشنفکری بود / ۲۹ شهریور ۱۳۸۹ / سایت آینده
۳۵۲	در تولید علم، در جایی رزم / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹
۳۵۹	انقلاب، فیلسوفان را دور زد / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹
۳۶۲	انقلاب، تنها احساس نبود / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹ / خبرگزاری فارس
۳۷۵	حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹ / همایش حکمت سیاسی متعالیه
۳۷۷	در زمان آقای ضرغامی شاهد برنامه های انتقادی، پر رنگی از... / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹
۳۷۹	در سالهای اخیر، سیطره پوزیتیویسم را در کشور... / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹ / روزنامه جام جم
۳۸۸	ولایت فقیه یعنی ولایت فقه... / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹ / مجله نسیم بیداری
۴۱۲	آسیب شناسی انقلاب اسلامی / ۳۰ شهریور ۱۳۸۹ / روش
۴۱۸	از «رجایی زمان» تا «کوروبش زمان» / ۳۱ شهریور ۱۳۸۹ / خبرگزاری ایلنا
۴۲۰	قدسی بودن حکومت از عوامل نقد است / ۴ مهر ۱۳۸۹
۴۲۶	حضرت امام مخالف نگاه های جزئی نگر در مبارزه بودند / ۵ مهر ۱۳۸۹ / مجله پنجره
۴۳۰	ضرورت بازخوانی، گونه شناسی و بسط پرسشها و... / ۵ مهر ۱۳۸۹ / مجله نسیم بیداری
۴۳۶	۱۶ نقد عماد افروغ به دوران پس از جنگ / ۸ مهر ۱۳۸۹ / سایت خبرآنلاین
۴۴۵	امام خمینی خواهان توسعه معنوی و کیفی دانشگاه بودند / ۱۰ مهر ۱۳۸۹ / سایت جماران
۴۵۰	خداگرایان می توانند مدعی روشنفکری باشند / ۱۰ مهر ۱۳۸۹ / روزنامه شرق
۴۶۱	ما به شدت نیازمند برگزاری مناظره های واقعی هستیم / ۱۲ مهر ۱۳۸۹ / خبرگزاری ایسنا
۴۶۳	فتوای رهبر انقلاب، طلیعه وحدتی عمیق و گران سنگ / جمعه ۱۶ مهر ۱۳۸۹
۴۶۴	سیاسی شدن ادیان به تأسی از اسلام، عامل هراس غرب / ۱۹ مهر ۱۳۸۹ / روزنامه جام جم
۴۷۳	در عالم سیاست نمی توان زمانی را برای بازنشستگی... / ۲۴ مهر ۱۳۸۹ / خبرگزاری ایسنا
۴۷۴	انقلاب اسلامی تراز جمهوری اسلامی / ۲۸ مهر ۱۳۸۹ / خبرگزاری فارس
۴۷۶	برخوردهای افراطی باعث مظلوم نمایی طرف مقابل می شود / ۱ آبان ۱۳۸۹ / خبرگزاری ایلنا

جامعه‌شناسی معترضات سال ۸۸/۳ آبان ۱۳۸۹/سایت آینده	۴۷۷
آینده از آن اصولگرایان مستقد است/۷ آبان ۱۳۸۹/خبرگزاری مهر	۴۹۴
حوزه با عقبه و پیش فرض دینی و تاریخی جامعه،.../۷ آبان ۱۳۸۹/خبرگزاری فارس	۴۹۵
تندروی‌های فعلی به سطحی‌نگری‌ها و منفعت‌طلبی‌ها.../۹ آبان ۱۳۸۹/خبرگزاری ایسنا	۴۹۸
مردم‌سالاری دینی، دیکتاتوری اکثریت و دموکراسی.../۱۱ آبان ۱۳۸۹/سایت خبر آنلاین	۵۰۱
چرا بصیرت با قدرت غالب پیوند می‌خورد؟/۱۲ آبان ۱۳۸۹/خبرگزاری فارس	۵۱۴
روایت عماد افروغ از مواضع سیاسی لاریجانی، توکل‌ی،.../۱۲ آبان ۱۳۸۹/خبرگزاری ایلنا	۵۱۷
نمی‌خواستیم هیچ‌گونه اتصالی به قدرت داشته باشیم/۱۶ آبان ۱۳۸۹/سایت فرارو	۵۲۱
اظهارات صریح عماد افروغ دربارهٔ مکتب ایرانی، انجمن حجته و.../۲۴ آبان ۱۳۸۹	۵۲۳
عبودیت محض و تجلی «و نفحت فیه من روحی»/۲۷ آبان ۱۳۸۹/سایت فردا	۵۳۲
انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و.../۲ آذر ۱۳۸۹/نشریه دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها	۵۳۳
ابعاد فلسفی و معرفتی احیای کبری امام /۳ آذر ۱۳۸۹/کانون اندیشه دانشگاه امیرکبیر	۵۵۸
یک بام و دو هوا/۱۲ مهر ۱۳۸۹/پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری (khamenei.ir)	۵۸۲
نمی‌توان به تجربه غرب بی‌اعتنا بود/۱۲ آذر ۱۳۸۹/سایت فرارو	۵۸۵
قابلیت‌های مدنی به جای ظرفیت‌های رسمی/۱۳ آذر ۱۳۸۹/روزنامه تهران امروز	۵۸۹
۲۰ نکته دربارهٔ نشست اندیشه‌های راهبردی/۲۳ مهر ۱۳۸۹/خبرگزاری مهر	۵۹۰
وضعیت فعلی دانشگاهها را مطلوب نمی‌دانم/۱۴ آذر ۱۳۸۹/خبرگزاری ایسنا	۵۹۵
الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت/۲۳ آذر ۱۳۸۹/خبرگزاری ایسنا	۵۹۹
توقع داریم حوزه با نظریه‌پردازی به بالندگی نظام کمک کند.../۱۳ دی ۱۳۸۹/خبرگزاری ایسنا	۶۰۵
مهم‌ترین مسئله نظام، فقدان نظریه جامع دربارهٔ.../۱۵ دی ۱۳۸۹/روزنامه تهران امروز	۶۰۹
درک‌میه نظارت، نماینده و بلاگ نویسان و سایتها هم.../۲۳ دی ۱۳۸۹/خبرگزاری مهر	۶۱۷
مسئله‌ای به نام فلسطین/۱۳۸۹/ویژه‌نامه روزنامه همشهری به مناسبت روز قدس	۶۱۹
علل سقوط رژیم شاهنشاهی/۹ بهمن ۱۳۸۹/مجله نسیم بیداری	۶۲۳
ریشه اختلافات در درک ناقص انقلاب است/۱۱ بهمن ۱۳۸۹/خبرگزاری مهر	۶۳۳
هدف غایی انقلاب، عرفان و اخلاق است/۱۱ بهمن ۱۳۸۹/خبرگزاری فارس	۶۳۵
چرا «علم دیگر»؟/۱۸ بهمن ۱۳۸۹/روزنامه همشهری	۶۳۹
امام و انقلاب به دنبال عزت انسان بودند/۱۸ بهمن ۱۳۸۹/روزنامه خراسان	۶۴۴
گویا عده‌ای فراموش کرده‌اند چه عواملی موجب.../۲۰ بهمن ۱۳۸۹/خبرگزاری ایسنا	۶۴۹
مردم‌سالاری در مصر می‌تواند تعبیر دیگری از.../۲۴ بهمن ۱۳۸۹/سایت دیپلماسی ایرانی	۶۵۹
پیشرفت با عقلانیت غیرایزانی/۱۲ اسفند ۱۳۸۹/روزنامه جام جم	۶۶۴
عده‌ای می‌کوشند جامعه طیفی ما را.../۲۶ اسفند ۱۳۸۹/ویژه‌نامه نوروزی روزنامه خراسان	۶۸۶

۶۹۲	به مرگ نخبگی نزدیک شدیم/ ۱۵ فروردین ۱۳۹۰/ سایت خبر آنلاین
۶۹۵	از بهترین لحظات عمرم هنگام توصیه‌های اخلاقی.../ ۱۶ فروردین ۱۳۹۰/ خبرگزاری فارس
۷۰۰	هشدارهایی که کسی جدی نگرفت/ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰/ روزنامه روزگار
۷۰۳	باید به اقتصادمان روح اخلاق بدمیم/ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰/ روزنامه قدس
۷۰۷	شهید مطهری به نقد فکر می‌پرداخت نه نقد شخصیت/ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰/ خبرگزاری مهر
۷۱۰	مطهری و پرسش آزادی/ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰/ روزنامه همشهری
۷۱۷	سلفی‌گری و ملی‌گرایی با هم جمع شده‌اند/ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰
۷۱۹	بازخوانی هویت در الگوی اسلامی - ایرانی/ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰/ سایت همشهری آنلاین
۷۲۳	عدالت و گفت‌وگو با نخبگان/ ۲ خرداد ۱۳۹۰/ روزنامه تهران امروز
۷۲۵	پیش‌فرضها و رویکردهای نظری عدالت اجتماعی/ ۷ خرداد ۱۳۹۰
۷۳۶	انقلاب صدرایی و سیاست جدید/ ۹ خرداد ۱۳۹۰/ مجله پنجره
۷۴۱	امام خمینی، تحجر و ندیشه صدرایی/ ۱۲ خرداد ۱۳۹۰/ روزنامه همشهری
۷۴۵	انقلاب اسلامی.../ ۱۲ خرداد ۱۳۹۰/ گزیده سخنرانی در انجمن اسلامی (دفتر تحکیم وحدت)
۷۵۲	نخستین نشست «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» با.../ ۱۶ خرداد ۱۳۹۰/ خبرگزاری مهر
۷۵۴	اتفاقی در جامعه رخ داده/ ۱۸ خرداد ۱۳۹۰/ مقاله روزنامه روزگار
۷۵۷	گروه انحرافی، عقبه اشعری‌گری و سلفی‌گری دارد/ ۶ تیر ۱۳۹۰/ خبرگزاری فارس
۷۶۱	تقدم ارزشی اخلاق و تقدم رتبی سیاست/ ۷ تیر ۱۳۹۰/ روزنامه تهران امروز
۷۶۵	اعتماد عمومی و کارآمدی نظام/ ۱۴ تیر ۱۳۹۰/ روزنامه ملت ما
۷۶۶	کارکرد اصلی سپاه، وحدت بخشی است/ ۱۸ تیر ۱۳۹۰/ پایگاه اینترنتی پیشکسوت
۷۶۸	حمایتهای رهبری از دولت، از سر مصلحت یوده.../ ۱۹ تیر ۱۳۹۰/ سایت خبر آنلاین
۷۸۹	نگرش عاطفی به تعطیلی عقلانیت در مهدویت انجامیده.../ ۲۱ تیر ۱۳۹۰/ خبرگزاری فارس
۷۹۵	هدف وسیله را توجیه نمی‌کند/ ۲۲ تیر ۱۳۹۰/ خبرگزاری مهر
۷۹۸	جای روشنفکران ملتزم به انقلاب اسلامی خالی است/ ۲۵ تیر ۱۳۹۰/ خبرگزاری فارس
۸۰۳	جامعه مطلوب، اطلاع‌رسانی با رویکرد درمان، فضای.../ ۲۷ تیر ۱۳۹۰/ خبرگزاری ایسنا
۸۰۷	هرچه اعتماد مردم کمتر باشد کمتر به هنجارهای نظام.../ ۲۹ تیر ۱۳۹۰/ سایت خبر آنلاین

درویش را نباشد برگ سرای سلطان ماییم و کهنه دلقی، کاتش در آن توان زد

مقدمه

با مشاهده تغییر ناگهانی موضع برخی از صاحب منصبان و متصدیان قدرت رسمی نسبت به سیاستها و رفتارهای دولت مستقر^۱، که البته از قبل قابل پیش بینی بود، بر آن شدم تا با زمان بندی و تنظیم و تدوین مجموعه مصاحبه‌ها، میزگردها، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و مقالات کوتاهی که به صورت پراکنده از سال ۱۳۸۸- یعنی از سالی که امکان دسترسی اینترنتی به مطالب وجود دارد - از بنده بازتاب یافته و تاکنون به صورت مجموعه چاپ نشده را در قالب سه مجلد تقریباً دو هزار صفحه‌ای و با تقسیم بندی قبل، جیب و بعد نمایندگی^۲ و با عنوان «ما قال و من قال» به زیور طبع بیارایم و در اختیار علاقه‌مندان خاص قرار دهم. هرچه فکر کردم چیزی بهتر از این دوره بندی نیافتم. این دوره بندی به هیچ وجه نباید یادآور یک وجه سیاسی صرف باشد؛ چون همان گونه که ملاحظه خواهد شد حجم مطالب بیش از آنکه سیاسی باشد، فرهنگی و معرفتی است؛ هرچند در سیاست نیز می تواند بیانگر ثبات یا عدم ثبات مواضع نگارنده در مقاطع مختلف باشد. عنوان کتاب نیز برگرفته از این سخن پُر مغز، اخلاقی، رمز گفت و گو و سرشار از حکمت امام علی (ع) است که «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال» بنگر به آنچه گفته می شود و نه آن که می گوید». ممکن است این گونه دآوری شود که ایشان در جایی دیگر و حسب عبارت «كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُّ بِهَا الْبَاطِلُ»، کلمه [در جایی و مقامی] حق است، اما مراد گوینده خاص از آن باطل است، ما را بیشتر متوجه «آن که می گوید» کرده اند تا «آنچه گفته می شود». اما نیک که بنگریم سخن حکیمانۀ اول (انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال)، ضمن آنکه مانع و رادعی برای فهم انگیزه‌ها و منافع قائلان یک مطلب ایجاد نمی کند، وجهی عام دارد که تحت هر شرایطی درست و عبرت آموز است. کلمه حق، قطع نظر از نیت گوینده آن قابلیت واکاوی و ارزیابی عقلی دارد، اما برخی اوقات و حسب حال و شرایط زمانی - مکانی لازم است برای پی بردن به نیت یا ثبات مواضع یک فرد به مواضع و رفتارهای گذشته او نیز توجه شود؛ لذا عنوان کتاب به گونه ای

۱. منظور، دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی، به ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد است.

۲. مقصود، نمایندگی نگارنده در مجلس شورای اسلامی ایران است که جزئیات آن در متن کتب آمده است.

انتخاب شده است که با ارج نهادن به بخش اوله هر دو عبارت؛ (ما قال) و (کلمه حق) از توجه به بخش دوم این دو عبارت (من قال) و (یراد بها الباطل) نیز غافل نباشد.

تحریف تاریخی و انتساب برخی مواضع به افراد، موج بی اخلاقی‌ها و افتراهای کم نظیر و بی حساب و کتاب و سوء استفاده از فقدان حافظه تاریخی مردم و کاشت جهل و برداشت حماقت از سوی رندان سیاسی و عملة رسانه‌ای و مطبوعاتی آنان، مقابله با منش سوفسطایی مسلکان و حقیقت سوزان و حافظان منافع و مصالح شخصی و گروهی و البته زیر لوای دفاع از دین و ارزشهای انقلابی و نظام جمهوری اسلامی، روشنگری نسبت به حامیان ایدئولوژیک و مفسران تعبیری خاص از دین - تعبیری که چیز بندگی و تکلیف انسانها برای تحکیم منافع و جایگاه خود و البته به نام بندگی خدا و رواج اخلاق بردگی و رمة گی چیز دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد - از انگیزه‌های اصلی چاپ و انعکاس این مجموعه است.

به نظر می‌رسد این مجموعه که به گونه‌ای می‌توان از آن به مثابه نبض زمان در موقعیت تاریخی یاد کرد، بتواند از برخی مواضع، هشدارها و نقدهای همراه باراه‌حل‌ها و البته بی‌توجهی‌ها، نقش بر دیوار و آب زدن‌ها و عنادهای مخالفت‌ها با مواضع انتقادی، حمایتها و لابی‌ها و تغییر مواضع ناگهانی و ۱۸۰ درجه‌ای افرادی که در زمان مورد لزوم، خون به دل اصحاب نقد کردند، پرده بردارد. به راستی اشکال کار کجاست؟ اگر بگویید نمی‌دانستیم، می‌گوییم عده‌ای گفتند و هشدار دادند؛ اگر بگویید می‌دانستیم اما مصالح چیز دیگری بود، می‌گوییم کدام مصلحت و مصلحت چه کسی؟! اصولاً جایگاه مصلحت کجاست و جایگاه شما کجا؟ حداقل، مرد و مردانه آنچه عمل و زبان شما غیر مستقیم فریاد می‌رند، شماها هم مطرح کنید و بگویید که اشتباه کردیم و یا حداقل بگویید کدام موضع صحیح‌تر بوده است؟ اگر به واقع مدعی حقیقت هستید، شجاعانه و حقیقت‌گرایانه به اشتباه خود اعتراف کنید، تا حداقل مردم قضاوت صادق بودن درباره شما داشته باشند.

اما بعید می‌دانم احساس اشتباهی به شما دست داده باشد یا بدهد. شما بهتر از بنده می‌دانید که همه اینها یک بازی بوده است، یک بازی دو طرفه و متقابل. زمانی در مصاحبه‌ای گفته بودم: آدمی، می‌ماند که چه کسی از چه کسی استفاده ابزاری کرده است؟ خوب می‌نگرم می‌بینم که هر دو از یکدیگر استفاده ابزاری کرده‌اند و بهره برده‌اند. به راستی، هم اکنون نیز این استفاده ابزاری ادامه ندارد؟

هرکسی با هر منش و تفسیری که به گونه‌ای در مواضع خود، اشتباهی داشته، خوب است که با نگاه به گذشته و اشتباه خود و گاهی اعتراف به این اشتباه، موضع فعلی خود را عیان کند. نگارنده بارها اشتباه خود را برپایه سیاستها و رفتارهای بعدی رئیس دولت، در رأی دادن به او در سال ۸۴، قطع نظر از مواضع انتقادی‌ام از همان بدو تشکیل کابینه، اعلام کرده‌ام. بار دیگر هم

فریاد می‌زنم، به رغم آنکه علم غیب نداشته‌ام، اما می‌توانستم تحقیق بیشتری کنم و حداقل رأی سفید بدهم. باید از گذشته درس عبرت گرفت و این عبرت را به دیگری انتقال داد. قرار نیست از یک سوراخ دو بار گزیده شویم. به هر حال زبیده این انقلاب، نظام، اصول انسانی و اخلاقی، کرامت و عزت انسانی نیست که در این تغییر مواضع به آرامی از کنار قضایا عبور کنیم و بر پایه مثل معروف «شتر دیدی، ندیدی» عمل کنیم و با این کار به گونه‌ای ناظران و مخاطبان و مردم را جاهل و احمق بداریم.

آیا بر این پندارید که مردم شعور کافی برای فهم این واقعیات و این شکافها و اشتباهات و تغییر مواضع ناگهانی ندارند؟ آیا به لحاظ شرعی و عقلی و اخلاقی توجیه کافی برای فریب مردم دارید؟ آیا بر این پندارید که مردم فاقد تشخیص کافی برای منافع و مصالح خود هستند و شما مجازید برای هدایت آنان هر اقدامی را مرتکب شوید و هر پندار و خیالی برای آنان روا دارید؟ نکند متوجه صورت مسئله نیستید و کماکان در جهل مرکب گرفتارید؟ در این صورت، اگر در جهل خود صادق باشید و قصد فریب نداشته باشید، حتی اگر مردم را جاهل بپندارید، می‌توان شما را به شواهد و مدارک اطراف ارجاع داد. آیا ندیدید با منتقدان چه کردند و حامیان و موافقان و متملقان به چه مواهب و نعماتی و مقاماتی رسیدند؟

موافقان و مخالفان را می‌توان در کل به چند دسته تقسیم کرد:

۱. منفعت جویانی که آگاهانه و در لوی دین و دینداری در این سالها به منافع خود سامان بخشیدند و طبیعی است که انتظار اتخاذ موضع انتقادی در زمان مقتضی از آنها انتظاری بیهوده و ناروا بوده است. در مورد این افراد باید منتظر شد و دید که چگونه با تغییر فضای غالب سیاسی، تغییر موضع می‌دهند و نان به نرخ روز می‌خورند.

۲. طرفداران پر و پا قرصی که کماکان بر مواضع خود استوار می‌مانند و به اصطلاح تغییر موضع نمی‌دهند؛ اما به راستی موضع حاکم دولت مستقر چیست؟ دینی، ایرانی، لیبرال، سوسیال، توده‌وار، پراگماتیسم و یا...؟ بنابراین با فرض وجود این دسته از حامیان باز هم باید منتظر تغییر مواضع باشیم. این دسته نیز با دسته اول تفاوتی ندارد.

۳. ساده لوحانی که محروم از ژرف نگری‌اند و فراتر از نوک بینی خود را نمی‌بینند و با تحول شرایط، متغیر و متحول می‌شوند. این دسته بر خلاف دسته اول به دنبال منافع شخصی و گروهی نیستند، اشکال آنها در عدم فهم کافی و عمق دید است. این دسته متناسب با جایگاهشان می‌توانند تأثیر گذار باشند. حسب ساده لوحی خود موج ایجاد می‌کنند و البته مواضع انتقادی آنها، هر چند بی‌موقع، نیز می‌تواند موج آفرین باشد.

۴. کسانی که ساده نیستند و می‌دانند چه می‌کنند و از فرصتها برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود به احسن وجه استفاده می‌کنند. اینها را اهل منافع صرف نمی‌دانیم؛ جزء حامیان ذاتاً متلون

هم قلمداد نمی‌کنیم. اینها را به طور عمده کسانی می‌دانیم که درک صحیحی از انقلاب اسلامی ندارند. درک تکلیف‌گرا و بی‌توجه به حقوق و عاملیت انسانی دارند و تفسیر مردم‌سالاری دینی از مشروعیت و فلسفه سیاسی نظام را بر نمی‌تابند. تفسیری بسته و بی‌توجه به تغییر و تحولات اجتماعی، تفسیری سلفی و اخباری از دین دارند و تنها خود را در مقام هادی و راهبر قرار می‌دهند و الباقی مردم از نظر آنها حکم صغاری دارند که فاقد صلاحیت و توان تشخیص خیر و شر و منافع و مصالح خود هستند و باید به طرق مختلف، دست آنها را گرفت و هدایت کرد. یک نوع تصویر و تفسیر چوپان و گوسفندی. خود در مقام چوپان و مابقی در حکم گوسفند. به طور قطع، با توجه به پیشینه تاریخی این دسته و اتفاقات پنجاه سال گذشته نمی‌توان از آن در قالب تعبیر سوم یاد کرد. این جریان در کنار درک سطحی‌اش از دین، رندانه وارد قضایای سیاسی شده و بهره‌برداری می‌کند. این جریان، متوهمانه خود را حق مطلق و نماینده واقعی خدا روی زمین و دیگران را خارج از مسیر و مملو از القانات شیطانی و غربی می‌داند. این جریان همواره مترصد بوده تا با حربه رعب و اغوا افکار خود را جامعه عمل ببوشاند و به گونه‌ای به دلیل برخی بی‌مهری‌ها و از طریق اختلاف‌انگیزی‌ها و توهم آفرینی‌ها، جبران مافات کند و تفکر عوام فریبانه و منجی‌گرایانه خود را رواج دهد. بی‌توجهی به عقل و تفکر و جایگاه کرامت و عزت و اختیار و مسئولیت انسانی، غالی‌گرایی و درک غلط از فلسفه مهدویت و انتظارگرایی‌های نامعقول و بی‌توجهی به صبغه و پشتوانه عقلی ولایت فقیه از مشخصات این جریان است.

همان گونه که تجربه تاریخی، آنها را به این مواضع نسبتاً دو گانه سوق داده است، عملکرد تاریخی، به ویژه در سالهای گذشته آنان، به ما این اجازه را می‌دهد تا قضاوت تاریخی خوبی از آنان نداشته باشیم. بر خلاف تصور اولیه و مریوط به نمونه آرمانی، این طایفه ظاهراً به نام دین، نان می‌خورند و در پس لوای دفاع از ولایت فقیه به منافع خود سامان می‌دهند. به نظر نمی‌رسد دفاع آنان از ولایت فقیه، با توجه به درک آنان از امام زمان (عج) که فاقد پشتوانه عقلی و مدیریتی صحیح است، دفاعی حقیقی و مبتنی بر اندیشه‌های امام راجل (ره) باشد. فراموش نخواهیم کرد که بیشترین دفاع‌ها از سیاست‌ها و رفتارهای غلط از این طایفه است و بر خلاف جنگ زرگری، کماکان شاهدیم که این دفاع‌ها و حمایت‌ها ادامه دارد. دفاع‌ها و حمایت‌هایی که با منافعی نیز همراه بوده است.

تعبیر آنان، تعبیری دم دستی است که برای خلاقیت و عاملیت انسان و جایگاه در خور او به عنوان خلیفه عام خدا واقعی قائل نیستند. تعبیری عوام‌فریبانه و ظاهر بینانه که در پس باور توده وار دینی و با استفاده ابزاری از طینت پاک و عواطف روشن و خالص دینی مردم می‌کوشند تا دو روزه زندگی و دنیای خود را سامان بخشند و آخرت دیگران را با آباد کردن دنیای پر زرق و برق و قدرت طلبانه خود تباه کنند. دین در دست آنان ابزار تلاش برای ارتقای

منزلت، قدرت و ثروت است. در نگاه دینی و معرفتی آنان، توجه به عقل و فکر و قابلیت‌های الهی، سؤال داشتن و سؤال کردن و زیر سؤال بردن ثروت و فساد ناشی از موقعیت صنفی و رسمی، مساوی است با نامسلمانی و خروج از دایره دین و نظام سیاسی دینی. محاوره آنان با دیگران بیانگر حق بودن خود و باطل بودن دیگران است. آخر مگر نه این است که ما [دسته چهارم] یا همان صاحبان قدرت، وارثان وعده داده شده خدا روی زمین هستیم و مگر نه این است که خدا بر شما منت نهاده و ما را بر شما حاکم نموده است؟ چرا قدر این وراثت و این نعمت الهی را نمی‌دانید؟ بدانید که مخالفت با ما و جایگاه ما باعث سلب و زوال نعمات الهی از شما خواهد شد و خداوند نعمت ما را از شما خواهد ستاند. به اوامر و نواهی ما توجه کنید. در برابر ما خاضعانه و تکلیف‌گرایانه سر تعظیم فرود آورید. به ما اعتماد و اطمینان کنید، ما به شما می‌گوییم دنیا چگونه است. به نگاه و تفسیر معرفتی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود اعتماد کنید. آنها ساوس و خطوات شیطانی‌اند.

ما به شما می‌گوییم دنیا چگونه است. تفسیر شما از مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واژگونه است. شما اسیر پندارهای واهی و غلط هستید. حجاب‌ها را کنار بزنید، مؤمن باشید تا متوجه باشید که ما چه نعمات به مواه‌ای برای شما هستیم.

نزد آنان، و البته در ظاهر، مایه سیاست، یک روگ کلفت گردن است و یک شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه، و خدا می‌داند در پس این شعار چه منافعی برای عده‌ای و چه ساده لوحی و عشقی برای عده‌ای دیگر که نهفته نیست!

۵. نقادان مصلحی که به دور از منفعت طلبی‌ها و یا مصلحت سنجی‌های رایج و در چارچوب اندیشه سیاسی امام (ره) و گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی و صبغه فلسفی، عرفانی، کلامی - فقهی و آرمانها و ارزشهای آن می‌کوشند تا در وهله اول حافظ هسته مرکزی فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی، یعنی مردم سالاری دینی و دو مؤلفه حقانیت و مقبولیت آن از طریق اجتهاد پویا و متوجه تعامل دین و جامعه باشند. توجه به تغییر و تحول اجتماعی، فلسفه تغییر و تلاش در جهت مدیریت این تحولات، بر اساس اصول و بن مایه‌های اسلامی در کلیت عقاید، اخلاقیات و احکام و اصول مبرهن فقهی از ویژگی‌های این نقادان است.

آسیب‌شناسی عمده آنان در چند ساله گذشته، معطوف به ابزارگرایی و سیاستها و رفتارهای ماکیاویستی و بی‌توجهی به اخلاق به مثابه عنصر ممیزه انقلاب اسلامی، بی‌توجهی به جامعیت حقوق شهروندی و تقلیل آن به وجه اقتصاد. ی- توزیعی بی‌برنامه و فراموشی وجه تولیدی اقتصاد و مؤلفه‌های سیاسی و فرهنگی آن، نادیده انگاشتن حقوق فردی و آزادی‌های اساسی، تفاسیر قشری، عوام‌فریبانه و سطحی و کلاهبردارانه از دین - آن هم از سوی کسانی که بهره‌ای از ابعاد حکمی و عقلی اسلام نبرده‌اند سیاست‌زدگی و فراموشی نقش ابزاری قدرت و حتی اقتصاد، مانور فردی

صاحبان قدرت، به ویژه در قوه مجریه، در رأس نبودن قوه مقننه و توجیه و سکوت نهادهای نقاد دینی و بی توجهی نظری و عملی به مبانی جمهوری اسلامی و استلزامات آن است.

شاید گراف نباشد اگر بگوییم مهم ترین نقد این دسته از افراد متوجه قداست بخشی به حکومت و فراموشی نقش ابزاری آن و عدم توجه به مشارکت مردمی در ابعاد و سطوح مختلف باشد. به راستی حکومتی وجود دارد که بتواند بین قداست بخشی به حکومت و توجه به حقوق و مشارکت ذر ابعاد مردم جمع کند؟ از سوی دیگر آیا می توان بین قداست بخشی به حکومت و فی نفسه هدف دانستن آن و اشعری گری و توهم و به کارگیری اهرم های استیلایی و هژمونیک حاکمان، قائل به جدایی شد؟ آیا بی توجهی به ابعاد حکمی، فقهی و عرفانی و معنوی انقلاب و ایجاد معبر برای نفوذ سطوحی اندیشان و متوهمان جز با تقدیس قدرت رسمی و فراموشی نقش ابزاری آن امکان پذیر است؟ قائلان به فضیلت قدرت رسمی به قیمت نادیده انگاشتن قدرت نقد و قدرت غیر رسمی و مشارکت و حقوق همه جانبه مردم از چه بینش، منش و روشی برخوردارند؟ در تاریخ اسلام چه نسبتی بین اخباری گری و سیاست های امنیتی و استبدادی وجود دارد؛ در چه عصری شاهد منسک گرایی، ظاهر گرایی، نماد گرایی و تفکر توده وار و احساسی و هیجانی دینی، از یک طرف و سیاست های استبدادی و تقلیل قواعد عقلی و شرعی و عرفی به اختیارات حاکم، از طرف دیگر بوده ایم؟ و امروز جهان اسلام با چه تفکری، گرفتار برادر کشی و حماقت ها و جهالت های نا موجه است؟ چه کسانی امروز بر طبل عوام زدگی و اخباری گری در عمل و اقتدار گرایی و گستره نا منضبط و بی حد و حصر اختیارات حکمران و با توجیهات نا مستدل و نا موجه دینی، می کوبند؟

به راستی چه تحلیلی می توان برای اقتدار گرایی و منش استبدادی و یکه سالارانه قوه مجریه و عمل نامنضبط و غیر قانونی رئیس دولت مستقر به دست داد و چه کسانی در این زمینه مسئولند؟

آیا اگر نبود تفوق جریان اخباری گری به عنوان حامی اصلی دولت از یک طرف و سیاست های مرتبط عوام فریبانه و منسک گرایی نه از طرف دیگر، ما امروز شاهد بی توجهی به قانون و سیاست های فرصت طلبانه و پر نوسان بودیم؟ به نظر سؤالی اساسی می آید چه نسبتی است بین یک تفکر سلفی گرا و پان ایرانیسم؟ هر دو رجعتی متوهمانه به یک امر موهوم و ناپخته تاریخی و بی توجه به تغییر و تحولات دارند؛ و اما تفاوت این دو در ظاهر به وجه دینی و البته اشعری مسلکانه سلفی گری و تفکر ناسیونالیستی و اصالت بخشی به فضای جغرافیایی و روابط و پیوندهای خاکی و خونی و تا حدودی فرهنگی پان ایرانیسم بر می گردد. بماند که ذهن آشنا با هویت ایرانی، متوجه وجه محتوایی و مضمونی دینی و یکتا پرستانه آن خواهد بود؛ هویتی که مضمونی خداگرایانه در ذات خود دارد. حتی در این صورت نیز اگر این خداگرایی به قیمت

نادیده انگاشتن انسان و حقوق او و تحولات اجتماعی باشد، چیزی از سلفی‌گری کم نخواهد داشت و برگردانی از همان تفکر سلفی است. تنها تفاوت این دو، همان گونه که اشاره شد در ادعای عام‌گرایی سلفی‌گری و ادعای خاص‌گرایی ایرانی‌گری است.

سلفی‌گری بر ظاهرگرایی در قالب شریعت‌گرایی اصرار می‌ورزد و ایرانی‌گری نیز بر گذشته‌ای موهوم و نامعلوم پای می‌فشرد. این گذشته موهوم اگر صراحتی هم داشته باشد در همان وجه دینداری با خصائل نگاه سلسله مراتبی، تلفیق دین و سیاست و آشتی نا پذیري حق و باطل است. قطع نظر از زمینه و بستر تاریخی مدعیان تفکر سلفی، علی‌القاعده آنها نیز باید بر این عناصر اصرار ورزند. خصائلی که به احسن وجه و بدون ذبح عاملیت انسانی و تحولات اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی نمود یافته است. به هر حال، آنچه از مقایسه این دو قابل استنباط است، بی‌توجهی به تحول و تطوّر تاریخی، بی‌توجهی به عقل و ضرورت‌های زمانی و مکانی است؛ و البته این در شرایطی است که طایفه هم-کانون و هم-منشأ تفکر سلفی-ایرانی‌گری را در قول و عمل صادق بدانیم. اما واقعیت این است که نگرش ماکیاویستی و پراگماتیستی این طایفه، ما را از انتساب صداقت در نظر و عمل به آنها محروم می‌سازد. بعید می‌دانم که حامیان ایدئولوژیک آنها اولاً متعین به این ارتباط باشند و ثانیاً با وجه تفکر ایرانی‌گری افراطی و نا موجه این جماعت، هم عقیده باشند. ظاهراً آنها فریب آگاهانه وجه اول، یعنی سلفی‌گری آنها را خورده‌اند. می‌گویم فریب، چون با دلالت ایرانی‌گری آنها هم عقیده نیستند، می‌گویم آگاهانه، چون بعید می‌دانم این استفاده ابزاری یک طرفه بوده باشد. به طور قطع، این بده‌بستان، طرفینی بوده است. به هر حال حامیان ایدئولوژیک کماکان آماده‌اند تا حمایت علی‌الاطلاق خود را از جماعت سلفی در هر لباس و پوششی ابراز نمایند. روکش دفاع از ولایت فقیه یا تصنعی و فریبنده است و یا بر پایه درکی غلط از ولایت فقیه و بی‌توجه به مبانی عقلی و حضور مردم به مثابه شرط اثباتی مشروعیتی است که حقانیت، مؤلفه دیگر آن است. استقرار نظام سیاسی و مشروعیت حقوقی آن در گرو توجه به هر دو عنصر است. هم این دو عنصر نیز در تعریف مشروعیت، به فهم و درک انسان و جایگاه شرعی او در مفهوم نظارت و مقبولیت او در استقرار نظام سیاسی است.

واقعیت این است که در شرایط کنونی، تحلیلی جامع از وضع موجود و ریشه‌یابی آن امری ضروری است. به طور قطع، تصویر برداری از شرایط موجود، بدون داشتن یک چارچوب نظری و دوربین نمایانگر و واقع‌نما، اگر نگوئیم نامحتمل، به شدت ناقص، تار و منحرف خواهد بود. شاید بتوان در مجموع شرایط موجود را شامل بر فاصله‌گیری از مردم سالاری دینی به ویژه وجه مردم سالاری آن، شکاف فزاینده بین قدرت رسمی و قدرت غیر رسمی، فقدان مشارکت مدنی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و در عرصه‌های تصمیم‌گیری، مشارکت و

نظارت، بی‌توجهی به تفکیک قوا و انضباط در تصمیم‌گیری و رفتار، خرافه‌گرایی و انتظارگرایی نامعقول (چه واقعی و چه پنداری)، بی‌توجهی نهادهای مدنی دینی و عرفی به نقد و نظارت، اقتصاد در هم ریخته و معلول تصمیمات شتابان و بی‌برنامه، رانت‌جویی و رانت‌خواری گسترده در قالب تفکرات دینی و وانمودگرایی‌های انقلابی، سیاستهای منقبض سیاسی و بی‌توجه به اصول و مندرجات فصل سوم قانون اساسی، ادامه ظرف تاریخی و ساختاری متمرکز و به جای مانده از رژیم گذشته، آشفتگی در اداره کلان جامعه و بی‌توجهی به ملزومات اداره فقهی و عدم توجه به ضعف‌ها و حلا‌ها و فقدان بستر سازی برای تحول لازم در این خصوص و موارد مرتبط دیگر دانست.

به هر حال، حسب دلائل و انگیزه‌هایی که در صدر این مقدمه به آن اشاره شد، مترصد شدم تا با تنظیم زمانی و ریزش بسیار جزئی و با وفاداری به محتوا و شکل مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و برخی مقالات کوتاه و با استفاده از همان عناوین مندرج در جراید و خبرگزاری‌ها، شمایی از مواضع هشدارها، نقدها، مخالفت با نقدها و بی‌توجهی به این هشدارها را بازگو نمایم. باشد که سهمی هر چند ناچیز در روشنگری تاریخی و آگاهی بخشی و یادآوری تاریخی ادا کرده باشم. حُسن این مطالب روان بودن و متعلق بودن آنها به فضای جاری و داغ عمومی است که در واقع می‌توان از آن به مثابه ناض اصلی واقعیت‌ها، در بستر زمانی-مکانی خود، نام برد. این دفتر مفصل و البته ویژگی اجتناب‌ناپذیر تکراری برخی مضامین، بیش از آنکه داعیه و دغدغه دفاعیه شخصی در برابر قلم فرسایان بی‌اخلاق و نان به نرخ روز خوران میدان دیده و کاسبان و تجارت پیشه گان نقاب دار را داشته باشد، دغدغه بازخوانی و یادآوری تاریخی برای جلوگیری از بازگشت معلومه زنان حرفه‌ای و چهره تغییر دهندگان ماهری را دارد که جز به منافع و مصالح شخصی و سود یزدن از سفره پهن رنگین جمهوری اسلامی به چیز دیگری نمی‌اندیشند.

تاریخ این مطالب نشان می‌دهد به موازات افزایش کمی و کیفی نقدها، موج فشارهای درونی و بیرونی نیز فزونی یافته است. تاریخ این مطالب نشان می‌دهد شمار نقد و نقد پذیری تنها برای عوام فریبی بوده و در عمل شاهد انواع و اقسام روشها و ترندهای غیرانسانی در مواجهه با منتقدان بوده‌ایم. هرچند امروزه به دلیل رُخ‌نمایی قواعد و سنن اجتناب‌ناپذیر و حتمی الوقوع الهی و اصل بازگشت عصل و مواجهه افترا زنان و هتاکان با عمل زشت خود، چندان شاهد مانور غیر اخلاقی سابق آنات نیستیم، اما مردم باید بدانند که با چه کسانی و در چه برهه زمانی سرو کار داشته‌اند، باشد که بیش از یک بار از سوراخ و ماری گزیده نشوند. از سوی دیگر، سنن الهی همیشه در حال عمل است و این ماییم که با اعمال خود زمینه تحقق آنها را چه با اعمال نیک، چه با اعمال شر خود فراهم می‌کنیم. حاشا که اعمال ما بد باشد! به علاوه، هیچ

ضمانتی نیست کسانی که تاکنون بهره‌مند از روشهای غیرانسانی بوده و به اصطلاح، مزه آسان قدرت زیر دندانشان رفته است، مجدداً متمسک به این روشها نشوند.

به نظر می‌رسد و یا به عبارت بهتر امیدوارم چاپ این مطالب بتواند به مثابه سدی در برابر مواضع و تحلیل‌های غلط عمل کند. امیدوارم باید در وهله اول به مردم و آگاهی‌های آنها باشد، و الا سرمایه‌گذاری آنها بر جهالت مردم آن قدر زیاد است و خوشبین از این سرمایه‌گذاری‌ها هستند که بعید می‌دانم این جماعت، به راحتی گوش شنوایی برای فهم و درک واقعیات پیش‌روی داشته باشند.

به هر حال برای بنده که بحمدالله همواره مورد لطف اصحاب جراید و محل رجوع خبرنگاران شریف و اطلاع‌رسانان و آگاهی‌بخشان بی‌مزد و منت جامعه بوده است، احصا و جمع‌آوری تمام مطالب مندرج در جراید و رسانه‌های مختلف، آن هم به تنهایی، و با توجه به حجم گسترده آن، کاری به غایت دشوار و وقت‌گیر می‌نمود. به یاد دارم که سالها پیش خبرنگاری از من پرسید اگر نیم ساعت از عمرت باقی باشد، چه می‌کنی؟ گفتم مصاحبه می‌کنم. با وقت اندک و مشغله بدین و تحقیق، تصمیم گرفتم تا در گام نخست به چند پایگاه اطلاع‌رسانی اصلی که معمولاً مطالب بنده را یا از طریق فعالیت‌های خبری و اطلاع‌رسانی خود و یا از طریق انعکاس دادن به مطالب مندرج در جراید و پایگاههای دیگر پوشش داده و می‌دهند، رجوع کنم. به یاد دارم که تا قبل از این نمایندگی، ایسنا یا خبرگزاری دانشجویان وابسته به جهاد دانشگاهی، عمده‌ترین پایگاه‌هایی بود که بیشترین مصاحبه‌ها را با بنده انجام می‌داد. پایگاهی که همواره نیز از آن به عنوان پیشرو و نمونه یک کانون اطلاع‌رسانی فراگیر و متعادل یاد کرده‌ام. این مصاحبه‌ها از قبل از نمایندگی شروع شده است و کماکان ادامه دارد. بدون تردید در این دوره چهارده ساله انجام این مصاحبه‌ها و انعکاس خبرها فراز و فرود داشته است؛ لذا برای اطلاع از مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های قبل از نمایندگی خود به خبرگزاری ایسنا رجوع کردم. به طور قطع، در دوره سالهای ۱۳۷۲-۱۳۸۳ ش^۱، یعنی قبل از نمایندگی، مصاحبه‌های زیادی از سوی جراید و پایگاههای اطلاع‌رسانی مختلف - که البته آن زمان تعدادشان محدود بود - با بنده انجام شده است، لکن چون در گام نخست، قصدم تنها تمرکز بر مطالب قابل دسترس در ذخیره اینترنتی خبرگزاری‌ها و پایگاههای مورد نظر بود و با توجه به اینکه مضامین بسیاری از مطالب مندرج در این دوره زمانی در قالب تحقیقات علمی قبلاً به چاپ رسیده است و نظر به اینکه در این سه مجلد قصدم تنها بازتاب دادن به مطالبی است که تاکنون در قالب کتاب به زیور طبع آراسته نشده است، برای اطلاع از مطالب قبل از نمایندگی، رجوع به مطالب مندرج و قابل دسترس در کانونهای اطلاع‌رسانی، به نظر کفایت کند.

۱. کلیه تاریخ‌های مذکور در این کتاب، تاریخ هجری شمسی است و در صورت استناد به ماده تاریخی دیگر، حتماً قید خواهد شد.

بعد از نمایندگی نیز علاوه بر ایستادگی سایر جراید و پایگاهها نیز در این خصوص فعال بوده‌اند و همواره بنده را مشمول لطف و محبت خود قرار می‌دادند. راه اندازی وبلاگ شخصی با عنوان در راه مدرس، از اواسط ۱۳۸۴ ش، توسط دانشجویان عدالتخواه و به طور خاص برادر ارجمند آقای تفرشی و ادامه محبت و فعالیت ایشان تا چند ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و متعاقباً برادر عزیز دیگری و تلاشی در جهت گردآوری مطالب بازتاب یافته در جراید و رسانه‌های مختلف و انعکاس دادن آنها در این وبلاگ، بار بزرگی برای کار در دست انجام از دوش بنده برداشت. از بعد از نمایندگی و بازنشستگی در سال ۸۹ با فراغ بال و حوصله کافی، شخصاً مصاحبه‌ها را بازبینی، اصلاح و ویرایش و اصل و یا لینک آن را برای وبلاگ فوق ارسال می‌کنم. تقریباً قطع نظر از وقتهای که در بازتاب مطالب بنده در این وبلاگ رخ داد، می‌توان این گونه داوری کرد که این وبلاگ مجرماً و معرف تمام نما و بیانگری از آرای بنده در جراید و پایگاههای مختلف است. برای پوشش دادن به مطالب دوران وقفه به پایگاه اطلاع رسانی بازتاب یا تابناک فعلی رجوع کردم و کلیه مطالب مندرج در این پایگاه را که تصادفاً از دوران پس از نمایندگی ام بود احصا و با نظم و نسبی به مطالب مندرج در وبلاگ شخصی اضافه کردم. با رجوع به مطالب ذخیره شده در رایانه خود در اقامتگاه مطالعاتی خود نیز متوجه برخی دیگر از مطالب شدم، که آنها را هم بررسی و بعضاً اضافه کردم. در گام آخر نیز به مطالب اصلاح شده خود در ایمیل‌هایی که ارسال کرده بودم و موجود بود، مراجعه و چند مصاحبه و یادداشت هم از اینجا اضافه شد. آدرس برخی از این مطالب از طریق مجلات در اختیار ذکر گردید و آدرس برخی نیز که به طور عمده مربوط به زمستان ۱۳۸۷ است، با تمام تلاشم مغفول ماند. به این موارد محدود نیز بدون ذکر آدرس اشاره شده است. نمی‌توانم مدعی شوم که تمام مطالب مورد نظر احصا شده است، اما می‌توانم مدعی شوم که با این اثر اکثر مطالب و عمده مضامین منتقل شده است. مطالب مکمل و ذکر برخی اصلاحات، به طور عمده اشاره به منابع برخی مطالب مندرج، به حول و قوه الهی بماند برای تلاشهای بعدی. به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت زمانی، صرف دو ماه و تقریباً تمام وقت، از نیمه تا پاسی از شب و حتی اختصاص تعطیلات عید به آن در این مقطع کفایت کند.

در چاپ مجموعه‌ای این مطالب، تلاش شده است تا قطع نظر از برخی ویرایش‌های جزئی، هیچ گونه دخل و تصرفی، حتی در انتخاب عناوین مندرج در جراید و پایگاههای مزبور داده نشود. این عناوین خود می‌توانند بیانگر سلاقی و ذائقه‌های مختلف و متنوع این رسانه‌ها، حسب حال و شرایط و مقتضیات زمانی باشند. سلاقی و ذائقه‌هایی که خود می‌تواند موضوع تحقیقی مستقل باشد.

هرچند این سخن اضافی می‌نماید، اما احتمالاً بیانش خالی از فایده نباشد؛ عزیزانی که بنده

را مفتخر به مرور بر مطالب این مجموعه یا سه دفتر می‌کنند، استحضار دارند که بر خلاف روال معمول مطالعه اکثر کتابها، در اینجا باید ابتدا به فهرست مطالب و تاریخ آنها و پس از انتخاب، به اصل آن رجوع کرد.

در پایان بر خود واجب می‌دانم که از تمام جراید و پایگاههای اطلاع‌رسانی و خبرنگارانی که در این سالها زحمت پوشش دادن به مطالب بنده و مصاحبه با حقیر را بر خود هموار نمودند، صمیمانه سپاسگزاری کنم. خدا را گواه می‌گیرم که از این جماعت زحمتکش و روشنفکران واقعی و بی‌ادعای جز خاطره‌ای خوش ندارم. چون اشاره به نام همه این عزیزان عملاً امکان‌ناپذیر و از توان حافظه من خارج است، از این گمنامان خوش نام و زحمتکشان عرصه آگاهی بخشی، عذرخواهی می‌کنم و برای یکایک آنان آرزوی توفیق روز افزون در انجام رسالت الهی و مردمی و به دور از شائبه‌های زودگذر دنیوی را دارم و با تقدیم شعری از حافظ، بار دیگر انجام خطیر این رسالت را گوشزد می‌کنم.

درویش را نباشد برک سرای سلطان/ ماییم و کهنه دلقی، کاتش در آن توان زد
دفتر دوم را که حاوی مطالب بعد از نمایندگی از خرداد ۸۷ تا تیر ۹۰ است، همانند دفتر اول به تمام علاقه‌مندان و دلسوزان کشور و خواهان سربلندی و اعتلای اخلاق و معنویت در این زادبوم تقدیم می‌کنم.

و ما توفیقی الا بالله

عماد افروغ

۱۳۹۲/۱/۱۲